

انترناسیونال

۴۲

دوره دوم

جمعه، ۲۶ تیر ۱۳۸۳

۱۶ ژوئیه ۲۰۰۴

هر سه شنبه و جمعه منتشر میشود

سردبیر: فاتح بهرامی

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

لیست کمک های مالی به تلویزیون کانال جدید (سوئد)

صفحه ۲

* حجاب، پرچم آپارتاید اسلامی

* چشم جمهوریخواهان روشن!

در حاشیه رویدادها

سیاوش دانشور

صفحه ۴

حمله و توهین به زنان موقوف!

مینا احدی



میرود. در مجلس اسلامی، زنان محجبه نماینده از ضرورت حمله به زنان حرف زده و جزو اولین اقدامات و افتخاراتشان، همچون خواهران دو خردایشان، حمله به زنان و دفاع از تعدد زوجات و

صفحه ۲

حمله میکنند و هر کس که "بد حجاب" است یا رنگ لباسش سیاه نیست و یا آرایش کرده است را دستگیر و جریمه میکنند. از "مبارزه با فساد" صحبت میکنند و آخوندها فریاد میزنند و امصیبتا سر میدهند که آبرو و حیثیت نداشته شان دارد از دست

سران ریز و درشت حکومت اسلامی در چند هفته اخیر گوی سبقت را از یکدیگر ربوده و به عناوین مختلف اندر فواید حمله به زنان و سرکوب وحشیانه آنها داد سخن میدهند. روزانه در خیابانها و مراکز شهرها، نیروهای سرکوب حکومت به زنان

رژیم اسلامی پس از انتخابات مجلس (نگاهی به صف بندیها و مسائل جدید)

۲- جناح راست و تسخیر مجلس

فاتح بهرامی

محصول نارضایتی عمیق مردم از جمهوری اسلامی و تهدید شدن حکومت از جانب مردم است. هر دو جناح برای مهار اقشار مختلف مردم معترض راه و روش خود را داشتند. دو خرداد با پرچم اصلاحات خواهان شریک کردن بخش وسیعتری از طرفداران جمهوری اسلامی در حاکمیت بود و سیاست بگیر و ببند جناح راست و دخالت ندادن دیگر نیروهای ملی مذهبی در حکومت را به زبان کل جمهوری اسلامی میدانست. در مقابل جناح راست به نسخه دو خردادی کردن نمیکذاشت چون معتقد بود که اگر درجه ای فضای سیاسی در اثر سیاستهای دو خرداد باز شود مردم در آنجا توقف نخواهند کرد و موجودیت رژیم را بیشتر تهدید خواهند کرد. هر دو حق داشتند و این از تناقضات رژیم اسلامی و معضل تبدیل شدن آن به یک حکومت متعارف سرمایه در ایران ناشی میشود. با وجود این دو خرداد توانست چند سالی برای حکومت عمر بخرد. پس از دو خرداد وضعیت طوری بود که هر دو جناح به دیگری نیاز داشت و هیچکدام به تنهایی قادر به مهار اعتراضات جامعه نبود، برای همین بود که خامنه ای این دو جناح را "دو بال نظام" مینامید، دو بال که تعادلی به رژیم میداد. اما اکنون

با پوزش از خوانندگان عزیز بخاطر تاخیر در نوشتن بخش دوم این بحث، در اینجا به ادامه آن میپردازم. در مقدمه بخش اول این نوشته در انترناسیونال شماره ۲۶ اشاره کردم که نتیجه انتخابات مجلس هفتم و تسخیر مجلس توسط جناح راست وضعیت جدیدی را در مقابل رژیم و جناحهای آن قرار میدهد و بر عرصه های مختلفی در سیاست داخلی و بین المللی تاثیر میگذارد، و بقیه نوشته به بررسی وضعیت جناح دو خرداد و مضمون و هدف "استراتژی جدید" آنان اختصاص داشت. در ادامه، در دو بخش، به نکاتی درباره موقعیت جناح راست، آرایش جدید آنها، و معضلات این جناح در سیاست ایران اشاره خواهم کرد. اما ابتدا به دلایل و شرایطی میپردازم که باعث شد جناح راست رژیم تصمیم بگیرد دو خرداد را از مجلس کنار بگذارد و از طریق شورای نگهبان کاندیداهای آنها را رد صلاحیت کند.

جناح بندی درون رژیم از دو خرداد ۷۶ بعد با دوره های قبل یک تفاوت مهم داشت. اختلافات درون جناح های رژیم در این دوره اساسا بر سر نحوه برخورد با مردم برای بقای جمهوری اسلامی است. عروج دو خرداد خود

صفحه ۳

صفحه ۴

شهلا دانشفر

باید متشکل شویم

جمهوری اسلامی و بن بست اپوزیسیون پرو رژیم

سیاوش مدرسی



برای عبور از بحران نمی کند و نمی گوید که چرا مردمی که خواهان سرنگونی نظام نیستند، آلترناتیو شازده رضا پهلوی یا پس مانده های لشکر شکست خورده دو خرداد یعنی آقایان حجابیان و علوی تبار و جمهوری خواهان ملی و توده و اکثریت را در دستور کار قرار نداده اند؟

صفحه ۲

بنیادی رژیم اسلامی و سرنگونی آن هم نیستند! پس منفعل شده اند! البته این تفسیر "حکیمانه!" دمکراتیک بهای چندان به موج بگیر و ببندهای قبل و بعد از ۱۸ تیر نمی دهد! حرفی از ادامه مبارزه کارگران، جوانان، معلمین، زنان و پرستاران نمی زند و صحبتی از آلترناتیوهای غربی بعد از پایان کار دو خرداد

مفسرین و کاربدستان پنگاههای تبلیغاتی دمکراسی غربی که تا همین دیروز هم و غمی جز سوسیسید دو خرداد و خاتمی نداشتند، علت عدم برگزاری مراسمهای سالگرد ۱۸ تیر را در ناامیدی و یاس و سرخوردگی مردم از اصلاحات معرفی میکنند. میگویند که مردم آلترناتیو دیگری برای اصلاح رژیم اسلامی ندارند و خواهان تغییر

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

لیست کمک های مالی به تلویزیون کانال جدید (سوئد)

(در ادامه لیست قبلی در انترناسیونال ۳۶)

ارقام به کرون سوئد است	حسن صالحی ۱۰۰۰	رسول بناوند ۱۰۰۰	سارا زرین ۱۰۰
رحیم یزدانپرست ۵۰۰۰	علی یاور و زهرا فرید ۱۰۰۰	کریم تاوند ۱۰۰۰	سحر زرین ۱۰۰
جمیل فرزاد ۲۰۰۰	۱۰۰۰	حسام منتظری ۱۰۰۰	منصور فرزاد ۱۰۰
خلیل کیوان ۱۰۰۰	مهران مجیدی ۲۰۰	لاله زندی ۱۰۰۰	شهلا نوری ۱۰۰
آوات شریفی و پرستو ۱۰۰۰	ناصر شیشه گر ۱۰۰۰	سیوان رضایی ۱۰۰۰	عباس رضایی ۱۰۰
مهاجر ۱۰۰۰	فاضل نادری ۵۰۰	بهروز مهرآبادی ۳۰۰۰	عزرا آدمی (آباجی) ۱۰۰
آذر پویا ۲۵۰۰	محمد کلاتتری ۵۰۰۰	آفاق وکیلی ۱۰۰۰	گلاریژ مصطفی پور ۱۰۰
سارا دانش ۱۰۰۰	هومن اوینی ۱۰۰	علی عبدالی ۱۰۰۰	ابوبکر شریفزاده ۱۰۰
شاهو پیرخضرانیان ۱۰۰۰	هوشنگ آیراملو ۵۰۰	سارا مطیعی ۱۰۰۰	فهیمة قطبی ۱۰۰
۱۰۰۰	یدی کریمی ۲۰۰	افشین کردستانی ۱۰۰	بهار رحمتی ۱۰۰
نشمیل ۱۵۰ و ماهانه ۵۰	رامین قانع ۲۰۰	رستم گودرزی ۱۰۰	رزگار رضایی و آناهیتا ناصر ۲۰۰
فرج شهابی ۱۰۰۰	مهران بهرامی ۱۰۰	چیمین دارابی ۱۰۰	علی شریفزاده ۲۰۰
کاوه امید ۱۰۰۰	کاوش مهران ۵۰۰	اسامی اسپانوسور ماهانه	
الهام ۳۰۰۰	سیامک بهاری ۱۰۰۰	غفور زرین ۱۰۰	

جمهوری اسلامی و بن بست اپوزیسیون پرو رژیم

از صفحه ۱

مطلب مینویسند، هشدار میدهند، اما دول غربی هم دیگر تره چنددانی برای این رهبران و این جنس معاملات خرد نمی کنند، پایان دو خرداد پایان کار اینها هم بود.

بازنده از همه سو، شرمسار از همه کس، ناتوان در درک اوضاع، بی منتقدتر از همیشه تنها امیدشان همسویی آمریکا و اروپا علیه جمهوری اسلامی و گشایش در رحمتی بر بن بست سیاسیشان است.

مردم فریب وعده های تحول در نظام را نمیخورند و جمهوری اسلامی اهل مدارا برای کناره گیری نیست به این دلیل ساده که کمترین تحول در ساختار نظام نامتعارف جمهوری اسلامی حکم لغو کامل کلیت نظام را دارد. جمهوری اسلامی حکومت سوهارتو در اندونزی یا گورباچف در روسیه نیست، حکومتی فاشیستی است که زبان و منطق وجودیش تعرض و سرکوب و سودآوری و پول است.

بدون شک با نه گفتن مردم به این جنس روشها و رهنمودها، مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی بعد و عمق بیشتری خواهد یافت. جنبش سرنگونی تام و تمام نظم و نسق رژیم قرون وسطایی و پشت رژیم را بلرزه در آورده است.

این جنبش است که آغاز شده است و پایان آنهم از همین امروز بر مردم و صد البته بر هیچ مفسر با اندک وجدانی پوشیده نیست.*

توجه زیادی به "فشار از پائین و چانه زنی در بالا" نکرده، پس شکست خورد! از قرار حالا دیگر فعالین مبارزه در چهارچوب نظام به رهبری رئیس جمهور نظام، پاك كلافه شده اند و تصمیمات دیگری گرفته اند: دیگر پاك خسته شده اند و می خواهند مردم را برای عبور از نظام رهبری کنند! میخواهند رهبر چنین تحولی باشند!

البته بعد از اندک صباحی متعجب شدند که چرا مردم وقعی به جنبش "نافرمانی مدنی" و تلاش آنها برای برپایی مجلس موسسان نمی گذارند و آترا جدی نمیگیرند؟ حقیقت این است که این "جنبشها" مرده بدنیا آمدند، بیش از آنکه ده نفر جدی بدور آن جمع شود فاتحه شان از طرف مردم خوانده شد، جمهوری اسلامی اهل کنار آمدن با سرنگونیش نیست و مردم دیگر فریب چنین رهنمودهای قلابی را نمی خورند. مردم به این طرحها "نه" گفتند!

بنابراین ماشین تحلیلشان بازهم بکار افتاد، این بار علت ناکامی مجدد را باز در جای دیگری جستجو میکنند: میفرمایند دولتتهای اروپائی پس از پایان کار دو خرداد دارند روی جناح دورانیدیش تر رژیم یعنی دارودسته محسن رضائی حساب باز میکنند و اصلاح طلبان اسبق و سکولارهای امروز را پاك فراموش کرده اند. گلایه میکنند،

حقیقت این است که اندکی پس از پایان کار دو خرداد و خاتمی، ریز و درشت اینها جنجال بزرگی به راه انداختند که گویا کشف کرده اند که بعد از بیست و اندی سال حکومت سیاه مذهبی و سرکوب کمترین تمایلات فردی و اجتماعی هفتاد میلیون انسان، اصلاح رژیم از درون بی ثمر است و باید بطرق مسالمت آمیز رژیم را وادار به اطاعت از فرامین کنفرانسها و نشستهای جمعیهای شکست خورده آنان در برلین و پاریس کرد.

رهبران "اصلاح" جمهوری اسلامی و مبلغین فعالیت در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی، کسانی که مخالفین سکولار رژیم را تا يك هفته قبل از آن مخرب و بی منطق و حتی حزب الهی معرفی میکردند يك شبه طرفدار سکولاریسم شدند و با ذوق و شوق و سفاهت غریبی خودشان را رهبران يك چنین جنبشی هم معرفی کردند، در جلساتشان اساسنامه و برنامه های حزبییشان را از زیر آوار بیرون کشیدند و قسم خوردند که از اول سکولار بوده اند و مثل همیشه "اشتباهاتی" هم داشته اند!

و نیازی به توضیح نمی بینند که چرا در تمام طول دوران حکومت اسلامی یکبار برای نمونه سهواً مدافع سکولاریسم نبوده اند. متعجب و شگفت زده گناهان را بیپای خاتمی گذاشتند که از قرار

همراه و توهین به زنان موقوف!

استناد به موقعیتی است که زنان در ایران برای حکومت اسلامی ایجاد کرده اند. آنها به قوانین و سنتها و مقررات اسلامی تف کرده و بر علیه آن ایستاده اند. این اوضاع قابل برگشت نیست و آتش خشم مردم بجان آمده از حکومت اسلامی هر روز بیشتر زبانه میکشد.

در مقابل این موج جدید تعرض و بی حرمتی به زنان اما باید محکم ایستاد. باید متحدانه کاری کنیم که این پروژه ارتجاعی و وحشیانه حکومت اسلامی هر چه فوریتتر به شکست کشیده شود و يك موج جدید اعتراض و مبارزه برای سرنگونی حکومت اسلامی به راه افتد. هر صحنه دستگیری و یا بی حرمتی به زنان باید آنچنان با اعتراض و مقاومت همه ما روبرو شود که جانباں اسلامی را از کرده خود پشیمان کند. در خارج از ایران نیز باید فشار بر حکومت اسلامی را افزایش داد. باید خبر این حمله وحشیانه به زنان را در سراسر جهان پخش کرد و کاری کرد که مقامات حکومت اسلامی به دلیل این تعرض وحشیانه و بیشرمانه به زنان با اعتراضات وسیع جهانی روبرو شده و به پای میز محاکمه کشانده شوند.

کیفرخواست زنان بر علیه این حکومت ضد زن باید در سراسر جهان منعکس شود. باید افکار عمومی را علیه زن ستیزی حکومت اسلامی بسیج کرد، و احزاب و سازمانهای طرفدار حقوق زن، کارگری، انساندوست و مترقی را برای اعتراض به جمهوری اسلامی به یاری طلبید. باید مامشات دولتهای غربی و اتحادیه اروپا با حکومت اسلامی را افشا و زیر ضرب گرفت و به کمک افکار عمومی و مردم آزادیخواه و سازمانهای مترقی پرونده جنایات رژیم اسلامی را به دادگاههای بین المللی برد. حکومت اسلامی راه فرار ندارد، باید محکم در مقابل اعداها و تعرض جدید به زنان ایستاد و اجازه نداد که بیشتر از ما مردم قربانی بگیرد.*

دفاع از ضعیفه بودن و نیمه انسان بودن زنان را ثبت میکنند.

اینجا باغ وحش اسلامی است. اینجا در مقابل چشم بشریت متمدن به زنان حمله میکنند، فقط به این دلیل که لباسشان رنگ روشن دارد و یا مچ پایشان بیرون است. اینجا آخوند فسیل شده و لایق ارسال به موزه، کف بر دهان از سرکوب و شکنجه و سنگسار زنان دفاع میکند و باندهای تروریست اسلامی صدها زن را بجرم "بدحجابی" دستگیر کرده و شلاق میزنند. اینجا ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است.

حمله به زنان در ایران بارومتر حمله به جامعه است و این بار نیز رژیم اسلامی به عبث خیال میکند که با این حملات و با اعداهاهی روزمره و وحشیانه میتواند جامعه را به عقب رانده و شرایط خفقان را جاری کند. اما اعمال این توحش از سر اتصال است و خودشان هم میدانند که این تقلاها بیهوده است. زمین زیر پای حکومت میلرزد، و اینرا سران حکومت بیش از هر کس دیگری میدانند. درست در بحبوحه این تقلاها، روزانه چندین اعتصاب و اعتراض کارگری در جریان است، اعتصاب پرستاران و معلمان، و اعتراضات مداوم جوانان، بهمراه نفرت عمیق و عمومی از حکومت، لرزه مرگ بر جان حکومت انداخته است.

زنان و عدم تمکین شان به قوانین و مقررات و خواسته های حکومت، یکی از بهترین نمونه های شکست جمهوری اسلامی است. زنان در ایران به چادر و حجاب سیاه اسلامی تمکین نکردند و هر آنجا که امکانش را داشتند این سمبل بردگی زن را دور انداخته و آتش زدند. نفرت از حجاب اسلامی و زیر پا گذاشتن آن يك امر عمومی و میلیونی در ایران است و همین آتشی است عظیم بر پایه های حکومت ضد زن اسلامی. فریاد وا مصیبتا و اسلام و ناموس و شرف از دستمان رفت،

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱ رژیم اسلامی پس از انتخابات مجلس

پس از انتخابات مجلس هفتم جناح دو خرداد از يك سنگر مهم، مجلس، کنار گذاشته شد و میروند که ریاست جمهوری را هم از دست بدهند، هرچند که مدتی است خود شخص خاتمی نیز بیشتر به خامنه ای نزدیک است تا به یاران سابقش در جبهه دو خرداد. اینکه جناح راست توانست يك بال نظام را از حاکمیت کنار بگذارد و اتفاق مهمی نیفتد، دلایلی دارد که چند سال پیش ممکن نبود. شکست دو خرداد و رشد جنبش مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی دو عامل اساسی است که جناح راست بتواند بال دیگر نظام را به حاشیه بفرستد. شکست دو خرداد از مدتها قبل خود زمینه کنار زدنشان از مجلس را فراهم کرده بود. این شکست اولاً باعث شده بود که این جریان تجزیه شود، نیرویش را در سطح جامعه از دست بدهد و در سطح بالا هم بخشی از آن عملاً در خدمت سیاستهای راست و خامنه ای قرار گیرد. ثانیاً مهمتر این است که جنبش سرنگونی از مقطعی ببعد، حتی قبلتر از ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر پارسال، دو خرداد را بعنوان چوبدستی و بعنوان محملی برای اعتراضات خود کنار گذاشته بود، جریان دو خرداد پایه قابل اعتنائی در سطح جامعه نداشت. شکست و تضعیف دو خرداد و بی اعتبار شدن آن نزد مردم و بی خاصیت شدن آن بعنوان ترمز و سدی در مقابل اعتراضات جامعه دیگر آن خاصیت

گرفت، آبادگران حدود ۲۰۰ نماینده در مجلس دارند. به گفته خود عوامل رژیم اسلامی این تعداد خود از طیف های مختلفی از جناح راست جمهوری اسلامی تشکیل میشود که از طیف وسیعی هستند عموماً دارای سوابق نظامی هستند و نزدیک به نصف آنرا تشکیل میدهند تا نمایندگان جناح راست سنتی و نیز چهره های جوان و میانسال دانشگاهی را شامل میشود. محسن رضائی در دفاع از مجلس هفتم در روزنامه رسالت گفته بود که آبادگران تابلوی خوش منظری هستند که نباید مصادره شود. آبادگران قبل از مجلس هفتم در جریان انتخابات شوراهای اسلامی شهر در تهران ابراز وجود کردند. این جریان قبل تر از آن ناشناخته و گمنام بود، در واقع وجود نداشت. آبادگران در واقع يك ائتلاف است که هم در مجلس و هم در شورای شهر تهران عناصر طیفهای مختلف جناح راست را در خود دارد. اما آنچه که سریع دیده میشود اینست که چهره های شاخص و شناخته شده جناح راست کمتر در آبادگران حضور دارند. مستقل از اختلافات درون گروههای مختلف جناح راست، بنظر میرسد ترکیب آبادگران بر اساس يك توافق جدی بین گروههای مختلف جناح راست صورت گرفته است که آبادگران را بعنوان يك ویتترین جناح راست در مقابل جامعه گذاشته است. ویتترین از این نظر که این خود آبادگران نیست که اهداف و خواسته های طیف های مختلف جناح راست را

"ویتترین" جناح راست

پیروزی جناح راست در انتخابات مجلس از طریق راه یافتن ائتلاف یا گروه آبادگران به مجلس صورت

نمایندگی میکنند و یا آنرا پیش میبرند، بلکه این گروه تصویر امروزی تری از جناح راست مقابل جامعه میگذارد که با تصویر عموماً از جناح راست رژیم ظاهراً متفاوت است. بخصوص پس از آمدن و رفتن جریان دو خرداد و تصویر دیگری که آنها از خود دادند، مثلاً اینکه شکنجه گر و پاسدار به محقق و دکتر و استاد دانشگاه تبدیل شده بود، اکنون آبادگران هم با شعار جوان گرایی، آبادانی، حضور عناصر دانشگاهی، حتی گذاشتن حداد عادل در کرسی رئیس مجلس، تلاش کرده است تصویر متفاوتی از جناح راست سنتی و آخوند از خود بدهند. کلاً جناح راست رژیم، یا لاقلاً بخشی از آن، در سالهای پس از دو خرداد به فکر تغییراتی در قد و قواره خود افتاده اند که نوعی بشود آنرا با دو خردایها مقایسه کرد. حتی یکی از عناصر اصلی آنها، اگر درست یادم باشد محمد رضا باهنر، مدتی قبل اشاره کرده بود که در این سالها اشتباهات و محدودیت های خود را مرور کرده اند و به مسائل جدیدی هم به لحاظ سیاسی و هم سازمانی دست یافته اند. ظاهراً یکی از نتایج مهم این بازیگری ها درست کردن جریان آبادگران و جلو انداختن آن بعنوان گروهی است که در انتخاباتها شرکت میکند و امور اجرائی و قانونی را بدست میگیرد. اما این ویتترین جناح راست در واقع دست پخت جریانی است بنام "شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی" و ضمناً پوششی هم برای آن است. شورای هماهنگی نیروهای

انقلاب اسلامی، مانند شورای هماهنگی دو خرداد که چتری برای نیروهای مختلف دو خرداد بود، چتری است که نیروهای مختلف جناح راست را در بر میگیرد. این شورا نمایندگان کلیه تشکل های اصلی جناح راست را در خود دارد و گویا تصمیم این شورا باید توسط آبادگران توسط این شورا اجرا گردد. عناصر تشکیل دهنده آن اجرا گردد. عناصر جریان راست اشاره میکند، شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی گروه آبادگران را برای انتخابات شوراهای و نیز مجلس سازمان داده است. از شواهد و عملکرد تاکنونی آبادگران در مجلس میتوان نتیجه گرفت که يك ماموریت مهم آنها نگه داشتن فضا و پرهیز از درگیری سیاسی بین خود و با دولت و دو خردایها تا مقطع انتخابات ریاست جمهوری است، که خود این زیر سوال است و بعید است بتوانند این پز را حفظ کنند.

جناح راست توانست طی چند سال اخیر و با بکارگیری ابزارها و سیاست های مختلف دو خرداد را تضعیف کند، از مجلس بیرون کند و فکر میکند اگر جمهوری اسلامی تا انتخابات رئیس جمهوری بماند، دولت را هم بگیرند، اما اختلافات جدی بین خود گروههای جناح راست موضوع دیگری است که در راه است. در بخش بعدی در این باره و نیز درباره مسائل و معضلات متعدد جمهوری اسلامی نکاتی را اشاره خواهم کرد.* (ادامه دارد)

از صفحه ۴ در حاشیه رویدادها

آزادی و برابری و در راس آن حزب کمونیست کارگری این را تضمین میکند.

چشم
جمهوریخواهان
روشن!

عمده دو خردایهای اپوزیسیون در آستانه "انتخابات" مجلس هفتم رژیم در برلین جمع شدند و "اتحاد جمهوریخواهان" را تشکیل دادند. این تشکل البته، همانطور که ما قبل از تشکیل اش گفتیم، دنیا

انداختن شان از مجلس توسط کرکسهای جناح راست، اظهاراتی در حمایت از رفسنجانی کرده اند. تکلیف مردم با این جماعت خیلی وقت است که روشن است اما جمهوریخواهان عزیز اسلام زده ایران باید مقداری سرشان را بلندتر بگیرند! بهزاد نبوی و سلامتی و دیگران، تمام هارت و پورتهای بعد از شکستجرائی روزه سیاسی مجلس مبنی بر غیرمشمروع بودن "انتخابات" و تئوریهای يك من يك غاز برادر سعید حجازیان دال بر "گفتمان حقوق بشر" و غیره را يك شبه فراموش کردند و دوباره به "نقد" سیاستهای خود نشستند! میگویند باید در "انتخابات" مجلس هفتم شرکت میکردیم. تئوری جدیدشان اینست که باید کاری کنیم که

باشند که مابقی عمر سیاسی شان را از اسلام عزیز و حکومتش فاصله بگیرند. بعید میدانم جرات و شهامت این را داشته باشند که در چشم مردم نگاه کنند و به نقد سیاستهای بیست و پنج سال گذشته شان در دفاع از رژیم لمپنهای ضد زن، ضد بشر، عقب مانده و جنایتکار بنشینند. بعید میدانم! باید از جانب اینان منتظر تزه های جدیدی بود که "نفس تحکیم نهاد جمهوری و نهادهای انتخابی در مقابل نهادهای انتصابی فی النفسه پیشرفت اصلاحات است؟! بالاخره آخوند آخوند است. سیاست هم برای اینها علم ممکنات است. عمرشان را صرف پلتیک زدن کردند، هر بار شکست خوردند و البته هیچوقت درس نگرفتند.*



باید متشکل شویم!

شهلا دانشفر

گام کلیدی در اوضاع سیاسی کنونی است. امروز توازن قوا بیش از هر وقت اجازه میدهد که مجامع عمومی در کارخانجات را به مجامع عمومی منظم تبدیل کرد. همانطور که کارگران پتروشیمی اراک در مبارزاتشان اعلام میکردند هر سه شبه مجمع عمومی و آنرا تشکیل میدادند و اعتراضشان را به پیش میبردند.

خلاصه کلام اینکه تشکل یابی توده‌ای، همبستگی و حمایت بخش‌های مختلف جامعه از یکدیگر حلقه‌هایی اساسی و کلیدی در بوجود آوردن يك صف فشرده اعتراضی علیه تعرضات جمهوری اسلامی و مبارزه برای رهایی از شر این رژیم است. باید این حلقه‌های کلیدی را بدست گرفت. باید متشکل شد.

در همین رابطه نکته قابل تأکید و مهمتر اینست که امروز حزب کمونیست کارگری ایران بعنوان يك نیروی شناخته شده و دارای نفوذ وجود دارد. حزبی که علیه مذهب، علیه آپارتاید جنسی و برای برابری زنان و علیه استثمار و نابرابری برای سوسیالیسم مبارزه میکنند. حزبی که بیانگر خواستها و آمال کارگران، زنان، جوانان و همه مردم است. باید به این حزب پیوست و با بردن شعارهای آن به میان بخش‌های مختلف جامعه و مبارزاتشان افق و چشم انداز روشنی به این مبارزات داد. امروز روز متشکل شدن است. *

است. طی همین هفته‌ای که گذشت در ۲۳ تیرماه پرستاران در همدان جمع شدند و خواستهایشان را پیگیری کردند و پرستاران در سراسر ایران اعلام کرده اند که در ۴ مرداد ماه دست به اعتراضی وسیع خواهند زد. روز ۲۵ تیرماه ۱۵۰۰ کارگر ایران خودرو در مقابل تامین اجتماعی جمع شدند و بر مشکلات خود تأکید کردند. کارگران دخیانیات نیز روز قبل از آن در مقابل تامین اجتماعی جمع داشتند و بر مساله عدم احتساب سوابق بیمه آنها اعتراض داشتند و هر روز و هر روز کارگران در اعتراض به بیکارسازیها و یا نپرداختن دستمزدها و یا خواست افزایش دستمزدها تجمعات اعتراضی بر پا میکنند. میستوان گفت هم اکنون در میان کارگران، در میان معلمان، در میان پرستاران و در میان جوانان و زنان اعتراض بالاست و این اعتراضات به اشکال مختلف ابراز میشود و گسترش مییابد. آنچه که امروز به این اعتراضات قدرت و توان میدهد، حمایت و پشتیبانی این اعتراضات از یکدیگر و متشکل شدن و سازمان یافتن بخش‌های مختلف جامعه در متن مبارزاتشان است. این يك نیاز فوری امروز است و هم اکنون ما شاهد جنب و جوش هائی برای پاسخ دادن به این نیاز در میان کارگران، در میان معلمان و در میان پرستاران و دیگر بخش‌ها برای متشکل شدن و برای سازمان دادن مبارزاتشان هستیم. باید به این تحركات شتاب بیشتری داد. این يك

در مقابل جنبش رو به رشد مردم برای سرنگونی رژیم، جمهوری اسلامی تعرضی وسیع را در دستور گذاشته است، مبارزه با بدحجابی اسم رمز این تعرض جدید است. امروز میبینیم که رژیم به جوانان حمله میکند، زنان و دختران جوان را به بهانه بدحجابی مورد تعرض قرار میدهد، بساط دستگیری‌ها و اعدامها را گسترش داده است. در خیابانها حزب الله چرخانی میکند و میکوشد تا فضای رعب و وحشت را بر جامعه حاکم کند. باید علیه این تعرضات ایستاد. باید تعرضات رژیم را با اعتراض و تعرض پاسخ داد. باید هر کجا که شاهد تعرض به زنان، دختران و جوانان هستیم با اجتماع کردن و اعتراض و تعرض متقابل نیروهای انتظامی و انصار حزب الله را به عقب راند. برای چنین تعرضی باید متشکل شد. سازمانیابی توده‌ای امروز يك حلقه کلیدی در گسترش مبارزات ماست. امروز شرایطی است که میتوان و باید انواع و اقسام نهادها و تشکل‌ها را حول محور اعتراضات گوناگونی که وجود دارد شکل داد و با قدرت بسیج بیشتر و در موقعیت قویتری در مقابل تعرضات رژیم ایستاد. جوانان در هر محل میتوانند به مرکز اعتراض علیه تعرضات جمهوری اسلامی و عقب راندن آن تبدیل شوند و در محلات متشکل شوند. همچنین جنبش اعتراضی زنان همواره يك فاکتور مهم در اوضاع سیاسی ایران بوده است. این جنبشی است که هر روز قویتر و متشکل تر شده است، امروز این جنبش در موقعیتی قرار دارد که میتواند متشکل تر و قویتر به میدان آید و ابراز وجود علنی داشته باشد و در مقابل تهاجمات رژیم بایستد.

واقعیت اینست که علیرغم همه فشارهای رژیم و اراعی که صورت میگیرد روحیه تعرضی در میان مردم بالاست. هر روز شاهد برپایی تجمعات اعتراضی بخش‌های مختلف مردم، شاهد اولتیماتوم‌داندن و شاهد متشکل شدن مردم در اشکال مختلف هستیم. مبارزه همه بخش‌های جامعه را فراگرفته



سیاوش دانشفر

در حاشیه رویدادها

حجاب، پرچم آپارتاید اسلامی

تحلیل قوانین اسلامی و اسلامیزه کردن جامعه ایران تماما شکست خورده است.

حجاب پاشنه آشیل حکومت اسلامی است. حجاب پرچم آپارتاید اسلامی است. حجاب يك بارومتر و مقیاس سنجش توازن قوای میان مردم و حکومت است. در پس افزایش تعرض رژیم به زنان باید ناتوانی رژیم در تحمیل قوانین ارتجاعی اش به مردم را دید. این نه نشان قدرت حکومت که نشان استیصال آنست. به طریق اولی حمله دستجات منفور حزب الله و اوباش به زنان را باید حمله به کل مردم تلقی کرد. این سیاست اما بارها تست شده و بارها شکست خورده است. این روشی قدیمی است که امروز دیگر پاسخ بحرانها و تناقضات مهلك رژیم اسلامی را نمیدهد. رژیم اسلامی باید پاسخی دندان شکن بگیرد. در خیابان و مدرسه و محله باید اوباش را گوشمالی داد. باید هر تعرض به زنان را با تعرض متقابل پاسخ داد. در داخل و خارج کشور باید يك سیاست تعرضی و فعالیتی گسترده را علیه رژیم اسلامی در دستور گذاشت. هر اعتصاب و اجتماع کارگری، هر اعتراض و تجمع پرستاران و معلمان، هر حرکت جوانان و زنان علیه رژیم پایه‌های این سیاست نخ‌نمای رژیم اسلامی را اهره میکند. اعتراض و نبرد مردم علیه رژیم، اگرچه ماهیتا سیمای يك جنبش واحد آزادخواهانه را ترسیم میکند، اما سنگرها و جبهه‌های متعدد و وسیعی دارد. باید قدرت خود و ضعف رژیم را شناخت و در عرصه‌های متعدد مبارزه سیاسی از آن سود جست. رژیم اسلامی امروز يك پیکر متعفن و پوسیده است. نه رژیم همان رژیم سال ۱۳۶۰ است و نه مردم همان مردمند و نه شرایط سیاسی و موقعیت داخلی و بین المللی حکومت همان است. این سیاستها دردی از رژیم اسلامی دوا نمیکند اما باید قاطعانه پاسخ بگیرد و در نطفه خفه شود. جنبش

صفحه ۳

جمهوری اسلامی دور دیگری از حزب الله چرخانی و دست درازی به زنان را شروع کرده است. اینبار ظاهرا بهانه فصل تابستان و افزایش "بد حجابی" است. دستگیری و شکنجه زنان، شلاق زدن به قسمتهای لخت پا، گذاشتن در بشکه و ظرف پر از سوسک، تجاوز در سلولها، آوردن طرح در مجلس و دولت برای مقابله با "بدحجابی"، زوزه کشیدن کرکسهای امام جمعه، دستگیریهای گسترده در شهرهای بزرگ ایران، تنها مواردی از اقدامات اخیر رژیم اسلامی است. به اینها باید ترور خیابانی زنان را نیز اضافه کرد. در تهران تاکنون دستکم ۱۰ زن و دختر جوان به روشهای مشابه به قتل رسیدند و جنازه آنها در اطراف شهر و پارکها رها شده است. رژیم اسلامی تلاش میکند این قتلهای سریال را به يك پرونده جنائی و پلیسی که گویا کارآگاهان دنبال آن هستند تقلیل دهد. نه قتلهای سریال سالهای گذشته در مشهد و تهران و نه قتلهای اخیر هیچکدام توسط افرادی "خود سر" صورت نگرفتند. سرخ اینها دست آیت الله‌های حکومتی و اوباش حزب الله است. به اینها باید اقدامهای پی در پی رژیم را در ملاء عام و در زندانها افزود. اعمال "قانونی و غیر قانونی" رژیم همیشه اجزا يك سیاست واحد اند و مجموعا يك هدف واحد یعنی ارباب مردم را دنبال میکنند. رژیم اسلامی فکر میکند میتواند با این سیاستها مردم را برای دوره‌ای به عقب براند. این رژیم شلاق و شکنجه و اعدام و آپارتاید اسلامی است. از روز اول با اتکا به همین روشها سرکار آمده و تا روز آخر نیز با همین روشها سرکار خواهد ماند. تفاوتی اگر هست اینست که در کشور "اسلامی" دیگر کسی تره برای اسلام عزیز خرد نمیکند. رژیم اسلامی، حتی با شلاق و گیوتین اسلامی و خیل عظیم نیروی سرکوب، در

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Center Frequency: 12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: horizontal